

درسی برای شهریار

(این نوشتار به وحی الهی است)

آنچه را که ما درسی برای فرزندان شهریار ولی میدانیم برای تلمذ ایمانداران و دیگر هواخواهانش در اینجا توضیح میدهیم. شهریار در روزهایی بسر میبرد که میتوان گفت برایش ناخوشایند و نگرانی زا هستند و این عمدتاً بدلیل نداشتن کار و حرفه ای ست که او را مشغول ساخته درآمدی را حاصل کند. بودجه ای که فرزند فعلاً در اختیار دارد محدود و تنها به اموری قابل اختصاص است که ارجحیت کامل دارند. یکی از اینها خرجی ست که میباید برای وکیل کنار گذاشت تا بتوان به حق خواهی از محل کار پیشین پرداخت. آنچه رخ داد موضوع این نوشتار نیست بلکه درسی که از آن حاصل شد مد نظر است که در اینجا بآن میپردازیم. شهریار در دل فردی دوگانه است، بعدی انسانی و بعد دیگر الهی. این البته وضعیتی ست که در همه ایمانداران موجود میباشد و ما شهریار را بدین خاطر متمایز میکنیم که هر یک از این دو بعد را در اوج خود در اختیار دارد. بعد انسانی شهریار دل به نگرانی میدهد و از اینکه اذن ظهورش با تأخیر بیشتری مواجه گردد پریشان است. ظهور شهریار ولی تنها آغاز راه و مبدأ شروع مأموریت الهی اش است و بودن در صدر حکومت نیمی از جهان اساس بزرگی و بی دغدگی فرزند را تشکیل خواهد داد. برای رسیدن بدانجا اندکی وقت لازم است و درسی که این امر برای فرزند در بر دارد اینست که باید دل به توکل نسبت به کسی سپارد که نه تنها خالق و پروردگار اوست بلکه پدری ست که با وی در یک پوست بسر میبرد. قلب شهریار ما از این گفته بتپش درآمد و اشک در چشمانش حلقه زد. آری این عشق پدر و فرزندی از عنصری ست که تنها در آسمانها یافت میگردد آنهم در عرش الهی، جایی که پای هیچکس جز شهریار ما بدانجا نرسیده و نخواهد رسید. عشق شهریار ولی را در دل گذارید که حیات شما بدست ما و سعادت اخروی شما وابسته به داشتن این عشق در دلهاست. عالم اینرا بدانند...